



« بررسی موسیقی در آیات و روایات »

استاداربابا:

استاد بنی عصار زید عزه

پژوهشگر:

جواد موگویی

مقطع تحصیلی:

« پایه ۳ »

شماره پرونده:

۹۳۴۱۷

عنوان مقاله :

((بررسی موسیقی در آیات و روایات))

نام نویسندگان : جواد موگویی - حاج آقای بنی عصار (زید عزه)

چکیده

یکی از مسائل مهمی که هنوز به قدر کافی در آن کار نشده است بحث موسیقی می باشد . گاهی اگر از ما سوال کنند که چرا موسیقی حرام است؟ اولاً جواب قانع کننده ای از آیات و روایات نداریم دوما نمی دانیم که موسیقی حرام نیست! بلکه آن چیزی که حرام است غنا است نه موسیقی ! حقیقتاً ملاک موسیقی حرام چیست؟ در این مقاله سعی شده است تا حد امکان ملاکی برای تشخیص موسیقی حرام در اختیار خواننده گذاشته شود.

کلید واژه

((موسیقی ، آیات ، روایات ، سخنان رهبری ، پیامدهای موسیقی))

مقدمه

موسیقی امروزه به عنوان یکی از بحث های نو به شمار می رود که سوالات مجهولی در این رابطه وجود دارد . یک نکته ای که باید توجه داشت این است که موسیقی یک مفهوم اعم از غنا می باشد و با این وجود می شود موسیقی را به دو بخش حلال و حرام تقسیم کرد ، البته یک سری مصادیق هم وجود دارد که مشکوک است و معلوم نیست که حرام است یا حلال و جای بررسی دقیقی دارد . پیش فرض ما این است که هر چیزی به اصطلاح هیجان و آهنگ پُر سر و صدای بیشتری داشت حرام است! خیلی ها ممکن است معنای حقیقی غنا را ندانند! البته فهم صحیح حقیقت غنا نیازمند تحقیقی می باشد اما اجمالاً می شود تا حدی معنایی از آن فهمید . جامعه امروزی ملاک دقیقی برای حرمت موسیقی ندارند و یا حداقل ملاک دقیق را نمی شناسد به خاطر

همین نکته است که اگر شما بروید و از افراد جامعه سوال کنید که چه تصویری از لحاظ شرعی به موسیقی دارند؟ یا موسیقی را به کلی حرام می دانند و یا به کلی حلال. اگر شخص مومنی بخواهد از آیات و روایات دلیلی برای حرمت موسیقی بیاورد و یا تشخیص صحیحی برای نهی از منکر داشته باشد عاجز است، اگر هم بداند که برای حرمت موسیقی در قرآن آیه وجود دارد همه ی این آیات را نمی شناسد. فایده این مقاله این است که هم یک ملاک نسبتاً خوبی برای حرمت موسیقی از آیات و روایات به ما می دهد و هم ثانیاً با نظر معظم رهبری به عنوان یک فردی که نظر نسبتاً جامع ای در این رابطه دارد تا حدی آشنا می شویم. در آخر این مقاله مساله موسیقی تا حدی برایمان حل و فصل می شود. سعی شده است که برای مساله حرمت غنا از آیات و روایات شواهدی ذکر شود هرچند باید به این مساله توجه داشت که این مقاله در صدد بررسی مساله فقهی موسیقی و غنا نمی باشد و برای تشخیص تکلیف باید به رساله عملیه مراجعه کرد.

فصل اول واژه شناسی

گفتار اول تحلیل لغوی غنا

غنا از ریشه ((غ ن ی)) به معنای آوازه خوانی و بی نیازی (بی نیازی در مال بیشتر استعمال شده است) می باشد. ابن فارس دو گوهر معنایی برای این واژه ذکر کرده است یکی به معنای کفایت از مال می باشد و دیگری به معنای الغنا من الصوت یعنی آوازه خوانی می باشد. غنا در قرآن ۵۵ مرتبه استعمال شده است که در همه این آیات به معنای بی نیازی می باشد و غنایی که به معنای آوازه خوانی باشد در قرآن استعمال نشده است. ولکن غنا در روایات هم به معنای آوازه خوانی و هم به معنای بی نیازی آمده است.

به طور کلی، کلام لغویان در بیان معنای غنا در چند محور اساسی خلاصه می گردد
الف. صوت شادی آفرین: ابن منظور، غنا را به صدای شادی آفرین معنا نموده است.^۱

^۱ ابن منظور؛ لسان العرب (متوفی ۷۱۱ ه. ق.)، ج ۱۵، ص ۱۳۶

ب. صوت طَرَبْ آور: بسیاری، معنای غنا را مقید به قید «طرب» دانسته‌اند:

- دهخدا نیز در معنای غنا چنین می‌نویسد: آوزا خوش که طرب انگیزد^۲

ج. کشش و بلندی صوت

- ابن اثیر می‌گوید

کل من رفع صوته و والاه فصوته عندالعرب غناء؛ هر کس که صدایش را بلند کرده و آن را بکشَد
[و ادامه دهد] نزد عرب غنا است.^۳

- ابن منظور نیز در بخش دیگری از توضیح غنا می‌نویسد:

هر که صوتش را بلند می‌کند، عرب به آن [صوت] غنا گوید.^۴

د. صوت مُرَجَّعْ (ترجیع‌دار)

- کتاب قاموس در معنای غنا، قید «رجع» را که به معنای ترجیع و غلتاندن صداست، ذکر می‌کند.^۵

- فخرالدین طریحی نیز در قسمتی از تعریف غنا می‌گوید:

الغناء ككسَاء الصوت المشتمل على الترجيع؛ غِنَاءٌ هَمَّجُون كَسَاءٌ [در حرکت]، صوتِ در بردارنده‌ی
ترجیع است.^۶

ه. سماع: برخی نیز «سماع» و «غنا» را به یک مفهوم گرفته و بدین گونه تعریف کرده‌اند:

والغناء بالكسر من السماع^۷

المسموعة: المغنيه^۸

^۲ لغت‌نامه‌ی دهخدا، (متوفی ۱۳۳۴ ه. ش)، ج ۲۷، ص ۳۲۸

^۳ ابن اثیر، النهایه، ج ۳، ص ۳۹۱

^۴ ابن منظور؛ لسان العرب، ج ۱۶، ص ۱۳۶

^۵ قاموس، ماده‌ی غنی و طرب

^۶ طریحی، شیخ فخرالدین؛ مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، ج ۱، ص ۳۲۱

^۷ حماد جوهری، اسماعیل بن، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیة، ج ۶، ص ۲۴۴۹

گفتار دوم تحلیل لغوی دو واژه ((لهو و صوت))

واژه لهو به دو معنای شغل شی بشی و نبذ شی من الشی و واژه صوت به معنی الصوت و هو جنس لکل ما وقر فی اذن السامع آمده است.

واژه لهو در قرآن به معنای موسیقی نیامده است و صوت نیز فقط در آیه ۶۴ سوره اسرا به معنای عامی گرفته شده است که شامل غنا و آوازه خوانی نیز می باشد چون اصل بحث در رابطه با غنا است و در ادامه مفصل تر از آیه ۶۴ سوره اسرا بحث می کنیم لذا به همین مقدار تحلیل این دو واژه بسنده می کنیم.

فصل دوم: بررسی موسیقی در آیات و روایات

گفتار اول: موسیقی در آیات

از بین آیاتی که ذکر می شود برای حرمت موسیقی بهترین آیه ای را که می توان به عنوان شاهد برای حرمت موسیقی حرام به صورت متقن از آن استفاده کرد همین آیه ۶ سوره لقمان می باشد.

سوره لقمان آیه ۶

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَتَتَّخِذَهَا هُزُوًا... "

و برخی از مردم اند که افسانه های بیهوده و سخنان یاوه و سرگرم کننده را می خرند تا از روی نادانی و بی دانشی [مردم را] از راه خدا گمراه کنند و آن را به مسخره بگیرند ؛ اینانند که برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود.^۹

اهل لغت در معنای لهو گفته اند:

^۸ حماد جوهری، اسماعیل بن، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیة، ج ۳، ص ۱۲۳۲

^۹ ترجمه شیخ حسین انصاریان

هر عمل سرگرم کننده‌ای که انسان را از کاری مهم و عملی واجب باز دارد.

- «صحاح» و صاحب «قاموس»، لهو و لعب را مترادف یکدیگر دانسته‌اند. «لعب» در اصطلاح به معنای عملی نظام‌دار است که غرض عقلایی در آن قصد نشده باشد؛ بلکه غرضی خیالی و غیرواقعی در آن فرض شده باشد

«لعب» از ماده‌ی «لُعاب» به معنای «آب دهان» است که از لب‌ها سرازیر گردد. کلمه‌ی لعب به معنای بازی آمده و وجه تسمیه‌ی آن این است که همانند ریختن لعاب از دهان، بدون هدف انجام می‌گیرد.^{۱۰}

- راغب می‌نویسد:

[لعب] فعلی است که هدف و مقصد درستی در آن مورد قصد و نظر نباشد.^{۱۱}

لهو الحدیث

تعبیر «لهو الحدیث» نیز که در قرآن آمده، یکی از دلایل قائلان به حرمت غنا و موسیقی به شمار رفته است. کلمه‌ی لهو به معنی هر چیزی است که انسان را از مهمّش باز دارد. لهو الحدیث سخنی است که انسان را از راه حق منحرف و منصرف نموده و به خود مشغول کند. داستان‌های انحرافی و افسانه‌های فسادآور و سرگرمی‌هایی که انسان را از یاد و ذکر خدا مشغول می‌سازد و سرگرمی به شعر و موسیقی و مزار و دیگر آلات لهو، همه از مصادیق «لهو الحدیث» به شمار می‌روند.^{۱۰}

لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ - مقتضای سیاق این است که مراد از "سبیل اللّٰه" قرآن کریم، و معارف حق و صحیح، از اعتقادات، و دستور العملها، و به خصوص داستانهای انبیاء، و امم گذشته بوده باشد، چون لهو الحدیث و خرافات ساخته و پرداخته فکر انسانهاست که دست به دست گشته، در درجه اول معارض با این داستانهای حق و صحیح است، و در درجه دوم بنیان سایر

^{۱۰} مقاله: موسیقی از دیدگاه قرآن کریم نویسنده: محمد جواد حیدری

^{۱۱} راغب اصفهانی (متوفی ۵۰۳ ه. ق)؛ معجم مفردات الفاظ قرآن، ص ۴۷۱

معارف حق و صحیح را در انظار مردم سست نموده، و سپس منهدم می سازد. مؤید این معنا جمله بعدی است که می فرماید: " وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا "، یعنی حدیث را مسخره می کند، چون نام خرافات نیز حدیث است، و همین باعث وهن هر حدیثی می شود، و سبب می گردد مردم احادیث واقعی را نیز به سخره بگیرند. پس همان طور که گفتیم مراد از " سبیل الله "، قرآن است، بدان جهت که مشتمل بر قصص و معارف است، و گویا مراد کسی که خریدار لهُو الحدیث است این است که مردم را از قرآن منصرف نموده و گمراه نماید، و قرآن را به سخریه بگیرد به این که به مردم بگوید این نیز حدیثی است مانند آن احادیث، و اساطیری است چون آن اساطیر. جمله " بَغَيْرِ عِلْمٍ " متعلق به کلمه " یضل " است، و در حقیقت وصف ضلالت گمراهان است، نه ضلال گمراه کنندگان، هر چند گمراه کنندگان نیز علم ندارند، آن گاه ایشان را تهدید می کند به اینکه " أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ " - ایشان عذابی خوار کننده دارند "، چون در دنیا مغرور و متکبر بودند.

" وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَكُنَّا مُسْتَكْبِرًا كَانُوا لَمْ يَسْمَعُهَا كَأَن فِي أذُنَيْهِ وَقَرَأُوا... " در این آیه آن کسی را که خریدار لهُو الحدیث بود، توصیف می کند و کلمه " وقر " به معنای بار سنگین است، و مراد از اینکه فرمود: " گویا در دو گوشش وقر است " این است که گویا چیزی به گوشه‌هایش بسته که از شنیدن جلوگیری می کند. بعضی هم گفته اند: " اصلاً این کلمه کنایه از کری است ". و معنای آیه این است که چون بر این خریدار لهُو الحدیث آیات قرآنی ما قرائت می شود، پشت می کند، و از آن رو می گرداند و استکبار می ورزد، مثل اینکه اصلاً آن را نشنیده باشد، گویی کر است، پس تو او را به عذابی دردناک بشارت ده.^{۱۲}

^{۱۲} ترجمه المیزان ایه ۶سوره لقمان

چند نکته از این آیه فهمیده می شود:

در این آیه میفرماید گفتار لهو و بیهوده را میخرند تا به وسیله آن سخن بیهوده، عده ای را از راه خدا گمراه کنند. حکم در این آیه مطلق و عام آمده یعنی بدون هیچ قیدی هر نوع سخن باطل گمراه کننده ای عذاب الهی را در پی خواهد داشت. همچنین حکم عام آمده یعنی این حکم شامل تمام سخنان باطل میشود که یکی از مصادیق این سخنان باطل موسیقی های حرام می باشد. نکته دیگری که میشود از آیه فهمید مهم بودن محتوا در موسیقی است چرا که اگر محتوای یک موسیقی بیهوده و گمراه کننده نباشد بر طبق این آیه به نظر میرسد مشکلی نداشته باشد. در واقع میشود یک ملاک کلی برای حلال بودن یا حرام بودن همه ی گفتارها از جمله موسیقی درآورد و آن ملاک این باشد ((اگر موسیقی یا هر گفتاری لهو مصل عن سبیل الله باشد حرام است)) نکته دیگری که از این آیه فهمیده میشود این است: از سیاق آیه ما متوجه میشویم که موسیقی و گفتار اگر بیهوده و گمراه کننده از راه خدا باشد مورد غضب شارع واقع خواهد شد و از آن نهی شده ایم.

آیه بعدی سوره حج آیه ۳۰

ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأَحَلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامَ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا
الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ

این است [آنچه به عنوان مناسک حج قرار داده ایم] و هر کس مقررات خدا را بزرگ شمارد، برای او نزد پروردگارش بهتر است. و چهارپایان مگر آنچه [در آیات دیگر، حرمتش] بر شما خوانده می شود، برای شما حلال شده است؛ بنابراین از پلیدی بت ها و از گفتار باطل [چون دروغ، افتراء، غیبت و شهادت ناحق] دوری گزینید^{۱۳}

ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ " کلمه " حرمت " به معنای هر چیزی است که هتک و اهانت به آن جایز نباشد، و رعایت حرمتش لازم باشد. و کلمه " اوثان " جمع " وثن " است که به معنای " بت " می باشد. و کلمه " زور " به معنای انحراف از حق است، و به همین جهت دروغ را نیز " زور " می گویند، و همچنین هر سخن باطل دیگری را و جمله " وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ

^{۱۳} ترجمه انصاریان

فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ"، تحریک و تشویق مردم است به تعظیم حرمت خدا. و "حرمت خدا" همان اموری است که از آنها نهی فرموده، و برای آنها حدودی معین کرده که مردم از آن حدود تجاوز نکنند، و به ما وراء آنها قدم نگذارند، پس تعظیم آن حدود همین است که از آنها تجاوز نکنند^{۱۴}

روی أصحابنا أن اللعب بالشطرنج والنرد - وسائر أنواع القمار من ذلك. «وَأَجْتَبُوا قَوْلَ الزُّورِ» و روی أصحابنا أنه يدخل فيه الغناء و سائر الأقوال الملهية. در این جا نیز اشاره به این دارد که زور شامل غنا هم می باشد^{۱۵}

از این آیه برخی استفاده کرده اند برای حرمت موسیقی و نکته قابل توجه این است که زور معنایی عام دارد که هم شامل کذب شده و هم شامل غنا می شود در همین راستا شاهدهایی ذکر می کنیم (۱) با رجوع در لغت نامه مفردات القرآن زور به معنای کذب آمده و همین آیه را به عنوان شاهد ذکر کرده است

(۲) با توجه به آیات دیگر قرآن لغت زور را اگر بخواهیم معنا کنیم باز هم معنای غنا و موسیقی در آن فهمیده نمی شود بلکه زور به معنای کذب آمده

الفرقان آیه ۴

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا

و کافران گفتند: این [قرآن] چیزی نیست جز دروغی که [پیامبر] آن را از پیش خود ساخته و دیگران او را بر ساختن آن یاری داده اند، بی تردید [با این نسبت ناروا] مرتکب ستم سنگین و دروغی بزرگ [و تهمتی زشت] شده اند.^{۱۶}

^{۱۴}تفسیرالمیزان حج ۳۰

^{۱۵}المیزان ۱۴ ص ۳۷۹

^{۱۶}ترجمه انصاریان

المجادله آیه ۲

الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنكُم مَّا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا
مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوءٌ غَفُورٌ

کسانی از شما که با زنان خود ظاهر می کنند [یعنی بر پایه فرهنگ جاهلی می گویند : تو نسبت به من به منزله مادرم هستی ، پس آمیزش با تو بر من حرام ابدی است] زنانشان مادرانشان نیستند ، مادرانشان فقط زنانی هستند که آنان را زاده اند ، و آنان بی تردید سخنی ناپسند و دروغ می گویند و مسلماً خدا بسیار باگذشت و بسیار آمرزنده است .

همانطور که در این آیات ملاحظه شد زور به معنای دروغ و کذب می باشد .

اما زور به معنای غنا هم آمده که شواهدی را برای آن ذکر می کنیم

(۱) در آیه ۷۲ سوره فرقان خداوند می فرماید

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا

و آنان که در مجلس غنا و دروغ پردازی و امور باطل حاضر نمی شوند ، و هنگامی که بر گفتار و کردار لغو می گذرند ، با بزرگواری و متانت می گذرند

در این ترجمه این آیه آقای انصاریان زور را شامل غنا هم گرفته است .

(۲) در معجم المقاییس اللغه زور به معنای عامی گرفته شده یعنی عدول از حق در این صورت می توان گفت قول الزور شامل غنا هم می شود چرا که غنا یکی از مصادیق عدول از حق می باشد .

پس با این حساب می شود آیه ۳۰ سوره حج را به عنوان شاهی بر حرمت غنا مطرح کرد.

آیه بعدی سوره اسرا آیه ۶۴ می باشد

وَاسْتَفْزِزْ مَنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ
وَعِدَّتِهِمْ وَمَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا

از آنان هر که را توانستی با آوازت [به سوی باطل] برانگیز و [برای راندنشان به سوی طغیان و گناه
[باسواره ها و پیاده هایت بر آنان بانگ زن ، و با آنان] از راه سوق دادنشان به حرام] در اموال و [از
طریق وسوسه کردنشان به زنا] در اولاد شریک شو ، و به آنان وعده [دروغ] بده [که از قیامت ،
حسابرسی ، بهشت و دوزخ خبری نیست] و شیطان آنان را جز از روی باطل و دروغ وعده نمی
دهد.^{۱۷}

" استفزز " به معنای هل دادن به آرامی و به سرعت است، و " جلب " به طوری که در مجمع^{۱۸} گفته
سوق دادن به وسیله سائق است، و " جلبه " به معنای صوت است، و در مفردات گفته که اصل "
جلب " و ثلاثی مجرد آن به معنای سوق دادن چیزی است، وقتی گفته می شود فلانی را جلب
کردم معنایش این است که او را کشاندم، هم چنان که شاعر عرب هم گفته: " و قد یجلب الشیء
البعید الجواب - گاه می شود که جواب چیز دوری را هم جلب می کند " ولی اگر به باب افعال
برود، و گفته شود " اجلبت علیه " معنایش این می شود که از روی قهر بر سرش فریاد زد، هم
چنان که در قرآن آمده " وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ"^{۱۹}

^{۱۷} ترجمه انصاریان

^{۱۸} مجمع البیان، ج ۴ ص ۶۸.

^{۱۹} مفردات راغب، ماده " جلب "

و کلمه "خیل" به طوری که گفته شده به معنای اسبان است، و از این ماده کلمه ای که به معنای یک اسب باشد نیامده، ولی گاهی مجازاً به اسب سوار هم اطلاق می شود. و کلمه "رجل" - به فتح راء و کسر جیم - به معنای راجل "پیاده" است هم چنان که "حذر و حاذر" و "کمل و کامل" به یک معنا است، و رجل مقابل راکب "سواره" است، و ظاهر مقابله رجل با خیل این است که مراد از آن پیاده نظام باشد. پس معنای آیه شریفه این می شود که با آوازت از ذریه آدم هر که را که می توانی گمراه و به معصیت و اداری بکن، که البته به حکم آیات سوره حجر کسانی خواهند بود که ابلیس را دوست داشته و پیرویش کنند، و گویا "استغزاز با آواز" کنایه از خوار کردن آنان با وسوسه های باطل و خالی از حقیقت است، و اینکه وضع شیطان و پیروانش وضع چوپان و رمه را دارد که با یک صدا به راه می افتند، و با صدایی دیگر می ایستند و معلوم است که این صداها آوازهایی بی معنی است.

و اینکه فرمود: "وَ أَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَ رَجْلِكَ" معنایش این است که برای به راه انداختن آنان به سوی معصیت به لشگریان اعم از سواره نظام و پیاده نظام دستور بده تا پیوسته بر سر آنان بزنند، و این گویا اشاره است به اینکه لشگریان شیطان بعضی شان تندکار و بعضی کندکارند، هم چنان که وضع هر لشگری همین طور است بعضی سواره و بعضی پیاده اند، پیاده ها را به کاری می گمارند که حاجت به سرعت عمل نداشته باشد.^{۲۰}

اما جای این سوال باقی است که آیا می شود صوت را شامل موسیقی دانست یا نه؟

گر چه در آیات فوق، مخاطب شیطان است و خداوند به عنوان یک فرمان تهدید آمیز به او می گوید هر چه از دست ساخته است بکن و با وسائل گوناگون به اغوای بنی آدم برخیز، ولی در واقع هشدار است به همه انسانها که طُرُق نفوذ شیطان را دریابند و از تنوع وسائل وسوسه های او آگاه شوند. جالب این که قرآن در آیه فوق به چهار بخش مهم و اصولی از این وسائل اشاره می کند: یکی از این وسایل برنامه های تبلیغاتی می باشد در جمله "وَ اسْتَفْزِزْ مَنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ"

بصوتک" بعضی از مفسران آنرا تنها به معنی نغمه‌های هوس انگیز موسیقی و خوانندگی تفسیر کرده‌اند که معنای وسیعی ای دارد و هرگونه تبلیغات گمراه کننده ای را که در آن از وسائل صوتی و سمعی استفاده می‌شود شامل می‌گردد.^{۲۱}

در این جا به به متنی از تفسیر مجمع البیان اشاره می‌کنیم :

«وَ اسْتَفْزِرُ مِنْ اسْتَطَعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْتِكِ» ای و استزل من استطعت منهم أضلهم بدعائك و وسوستک من قولهم صوت فلان بفلان إذا دعاه و هذا تهديد في صورة الأمر عن ابن عباس و يكون كما يقول الإنسان لمن يهدده اجهد جهدك فستري ما ينزل بك و إنما جاء التهديد في صورة الأمر لأنه بمنزلة أن يؤمر الغير بإهانة نفسه و قيل بصوتك أي بالغناء و المزامير و الملاهي عن مجاهد و قيل كل صوت يدعى به إلى الفساد فهو من صوت الشياطين

در این تفسیر نیز اشاره شده است به این که در این آیه تهديد به شیطان به صورت امر آمده است. در این آیه چند نظر در رابطه با کلمه صوت بیان شده است و یک نظری مطرح است که منظور از صوت غنا هم می‌باشد.^{۲۲}

الفرقان ۷۲

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا

و آنان که در مجلس غنا و دروغ پردازی و امور باطل حاضر نمی‌شوند ، و هنگامی که بر گفتار و کردار لغو می‌گذرند ، با بزرگواری و متانت می‌گذرند. ترجمه انصاریان

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا" صاحب مجمع البیان گفته: کلمه " زور" در اصل، به معنای جلوه دادن باطل به صورت حق است. و بنا به گفته وی این کلمه به وجهی شامل

^{۲۱}تفسیر نمونه ج ۱۲ ص ۱۸۳

^{۲۲}مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص: ۶۵۸

دروغ و هر لهُو باطلی از قبیل غنا و دریدگی و ناسزا نیز می شود^{۲۳}. و نیز صاحب مجمع البیان در معنای کلمه "کراما" گفته است: معنای اینکه بگوییم فلانی از فلان عمل زشت تکرّم دارد این است که: از چنین عملی منزّه است، و نفس خویش را از آلودگی به امثال آن منزّه می دارد.^{۲۴}

پس اینکه فرمود: "وَ الَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ" اگر مراد از زور، دروغ باشد، کلمه مذکور قائم مقام مفعول مطلق می باشد و تقدیر کلام چنین می شود که: بندگان رحمان آنهایی هستند که شهادت به زور نمی دهند، و اگر مراد از زور لهُو باطل از قبیل غناء و امثال آن باشد، کلمه زور مفعول به خواهد بود، و معنایش این است که: بندگان رحمان کسانی هستند که در مجالس باطل حاضر نمی شوند. از میان این دو احتمال، ذیل آیه با احتمال دومی مناسب تر است. "وَ إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا" - کلمه "لغو" به معنای هر عمل و گفتاری است که مورد اعتنا نباشد، و هیچ فایده ای که غرض عقلا بر آن تعلق گیرد نداشته باشد، و به طوری که گفته اند: شامل تمامی گناهان می شود. و مراد از "مرور به لغو" گذر کردن به اهل لغو است در حالی که سر گرم لغو باشند.^{۲۵}

گفتار دوم موسیقی در روایات

روایات زیادی در موضوع غنا وجود دارد لکن در این گفتار به ذکر ۳ روایت بسنده می کنیم

الإمامُ الصّادقُ عليه السلام: الغِناءُ ممّا أوعدَ اللهُ عزَّ و جَلَّ عليه النارَ، و هُوَ قَوْلُهُ عَزَّ و جَلَّ: «و مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ».

امام صادق علیه السلام: آوازه خوانی از جمله گناهانی است که خداوند عزّ و جلّ برای آن وعده آتش داده است، آن جا که می فرماید: «و از مردم کسانی هستند که سخن بیهوده را خریدارند تا

^{۲۳} مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۸۱

^{۲۴} مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۸۱

^{۲۵} ترجمه المیزان، ج ۱۵، ص: ۳۳۸

[مردم را] بی [هیچ] دانشی از راه خدا گمراه کنند و راه خدا را به ریشخند گیرند. برای آنان عذابی خوار کننده خواهد بود.^{۲۶}

عنه عليه السلام في قولِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ» هُوَ الْغِنَاءُ

امام صادق عليه السلام [در توصیف بندگان خدای رحمان در آیه] «و کسانی که در مجلس زور (باطل) حضور نیابند»: [مقصود از زور (باطل)] آوازه خوانی است.

بحار الأنوار عن عبد الأعلى: سألتُ جعفرَ بنَ محمدٍ عليهما السلام عن قولِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «فَاجْتَنِبُوا الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» قَالَ: الرَّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشُّطْرَنْجُ، وَقَوْلُ الزُّورِ، الْغِنَاءُ. قُلْتُ: قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ»؟ قَالَ: مِنْهُ الْغِنَاءُ. [٤]

بحار الأنوار به نقل از عبد الأعلى: از امام صادق عليه السلام درباره این سخن خداوند عز و جل: «از پلیدی بتها دوری کنید و از گفتار باطل اجتناب ورزید» سؤال کردم. فرمود: [مقصود از] پلیدی بتها، شطرنج است و [منظور از] گفتار باطل، آوازه خوانی. عرض کردم: منظور از سخن بیهوده در آیه «و از مردم کسانی هستند که سخن بیهوده را خریدارند» چیست؟ فرمود: یکی از مصادیق آن، آوازه خوانی است.^{۲۷}

به نظر می رسد از این سه روایت به همراه آیات ذکر شده می شود این تعریف از غنا را برداشت نمود که غنا به آن چیزی گفته می شود که لهو مضل عن سبيل الله باشد.

^{۲۶} الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۵۸.

^{۲۷} معانی الاخبار، ص ۳۴۹، ح ۱. (۴) کافی، ج ۶ ص ۴۳۱، ح ۵.

فصل سوم موسیقی از دیدگاه مقام معظم رهبری

گفتار اول اهمیت تحقیق در موضوع موسیقی

با توجه به فضای جامعه یکی از مسایل مهم امروز بحث موسیقی می باشد. از مجالس گوناگون گرفته تا گوشه‌های همراه اکثر جوانان پر از موسیقی‌های مختلف می باشد که حقیقتاً هنوز به طور دقیق مساله موسیقی بررسی نشده است در همین راستا **مقام معظم رهبری** می فرمایند:

«اما در مورد موسیقی، باید اعتراف کنم هنوز در این مساله ما آن پاسخ روشن و کامل را نداریم، لا اقل من ندارم. در گذشته، [و الآن نیز بر آن عقیده هستم]. روی این جمله تکیه می کردیم که آهنگ مخصوص مجالس لهو، گناه و حرام است... آن وقتها ما فکر می کردیم آهنگ های ترانه ای، مخصوص مجالس لهو است... اما دستگاهها، فرض کنیم دستگاه شور یا ابو عطا یا همایون و امثال آن چطور؟»^{۲۸}

باتوجه به پدیده عظیم انقلاب اسلامی که باید حکومت اسلامی پاسخگوی نیازهای جامعه باشد بحث موسیقی از جمله مواردی است که مغفول مانده است! این حقیقت غیر قابل انکاری است که اگر موسیقی حلال از حرام مشخص نشده و تولیدات موسیقی حلال نشود آنوقت باید از تولیدات حرام دیگران استفاده کرد!

کما اینکه هم برای تولید موسیقی حلال دیر شروع کردیم و هم بررسی مساله فقهی آن را دیر شروع کردیم این کلامی است که رهبری نیز به آن اشاره کرده است

«ما خیلی زودتر از این بایستی تکلیف موسیقی را روشن می کردیم»^{۲۹}

اما در این میان برخی از موسیقی‌ها مشکوک به غنا می باشند که هنوز ملاکی برای تشخیص اینگونه موسیقی‌ها نیست در جایی **مقام معظم رهبری** میفرمایند:

^{۲۸} کتاب هنر از دیدگاه مقام معظم رهبری تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۷

^{۲۹} کتاب هنر از دیدگاه مقام معظم رهبری تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۷

«در مواردی که شبهه وجود داشته باشد که آیا این مثلا غنا هست یا غنا نیست، طبق اصطلاح متدیک علمای اصول، این شبهه ی مفهومی ست و در شبهه ی مفهومی، بیشتر بزرگان و علمای علم اصول، برائت جاری می کنند، یعنی هر جا که ما شک کردیم که آیا این غنا هست یا نیست، باید بگوییم غنا نیست و حرام نیست. پس شما برای اینکه یک چیزی را بخواهید گوش کنید، کافی ست شک کنید که غنا هست یا نیست! ولیکن ماورای این همه، خیلی لازم است که ما در این زمینه کاردرستی بکنیم و این به عهده ی فقهای ماست. من بارها این مطلب را به برادران بزرگ خودمان از فقها و اساتید گفته ام که ما فعلا وقت نمی کنیم بنشینیم این مسائل را بررسی کنیم و واقعا امروز مجال کار علمی و فقهی نداریم. لذا برادرانی که در قم از زمره ی فقها و آگاهان از رموز اسلامی هستند، باید بنشینند، مساله ی غنا و موسیقی را برای مردم حل کنند»^{۳۰}

گفتار دوم مفهوم صحیح موسیقی

برخلاف تصور عرف امروز موسیقی یک مفهوم عام تری نسبت به غنا دارد فلذا نمی شود گفت که مطلق موسیقی حرام است. در این جا تمسک به صحبت حضرت آقا می کنیم که می فرمایند:

«آن چیزی که در اسلام حرام است، غناست، نه موسیقی، موسیقی هرآهنگ و صدایی است که از حنجره یا وسیله ای، به یک شکل حساب شده بیرون می آید. اما آن چیزی که حرام است نوع خاصی از موسیقی ست که غنا باشد»^{۳۱}

غنا که عبارت است از آوازخوانی، در صورتی که مضل عن سبیل الله باشد، حرام است. بنابراین دوگونه غنا داریم: یک غنا، غنای حلال است که غیرلهوی مضل است. یک غنا، غنای حرام است و آن عبارت است از غنای لهوی مضل.^{۳۲}

^{۳۰} کتاب هنر از دیدگاه مقام معظم رهبری تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۷

^{۳۱} کتاب هنر از دیدگاه مقام معظم رهبری تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۷

^{۳۲} رساله آموزشی رهبری بحث غنا

یک نکته ی خیلی با ارزش که در صحبت های مقام معظم رهبری دیده می شود این است که غنا یک امر محتوایی می باشد و محتوای یک موسیقی می تواند باعث حرمت و یا حلال بودن آن شود

مقام معظم رهبری می فرمایند :

«آنچه مطرح است اینست که از قول امام نقل شد: که ایشان در مورد بعضی از آهنگهایی که حتی با ساز همراه بود، فرمودند این مقدار اشکالی ندارد... چنین استنباط کردیم که نظر امام بر اینست که: ساز بطور مطلق حرام نیست و ترانه هم همینطور. یعنی ترانه ای که محتوای درستی دارد و با یک ساز ملایمی همراه است، این اشکالی ندارد. اما اگر یک ساز جلفی بود و محتوای نادرستی هم داشت، هر کدامش موجب حرمت می شود. البته این را هم باید عرض کنم که سازها عموماً انسان را مقداری از حالت جد خارج می کند و از حق نباید گذشت که آهنگ این چنین است. مگر آنکه آنچنان محتوایی داشته باشد که نگذارد، مثل قرآن، یعنی آهنگ قرآن این هنر را دارد که... به آنچه قرائت شده جان می دهد و آن را در نظر انسان برجسته تر می کند و کلمه به کلمه را در مغز می نشاند، مثل آبی در روح جریان پیدا می کند»^{۳۳}

گفتار سوم میزان بهره گیری از موسیقی در رسیدن به اهداف دینی

در رسیدن به اهداف اسلامی ما باید از همه ابزاری که خلاف شرع نیست به نحو احسن استفاده کنیم. یکی از این ابزارها موسیقی است **مقام معظم رهبری می فرمایند :**

«موسیقی باید در خدمت اهداف والای بشری و تقرب به حیات طیبه انسانی باشد. موسیقی یک هنر است که باید از این آفریده الهی در جهت مصلحت و منفعت انسان استفاده شود و در استفاده از موسیقی به صحت و درستی راه و خطی که طی می کنیم اطمینان داشته باشیم البته موسیقی صرفاً یک ابزار است نه بیشتر و نمی شود به عنوان مهم ترین و یا قوی ترین ابزار از آن ، جهت اهداف والا استفاده کرد»^{۳۴}

^{۳۳} کتاب هنر از دیدگاه مقام معظم رهبری تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۷

^{۳۴} دیدار مسئولان سیمای جمهوری اسلامی ایران با رهبرانقلاب ۱۳۷۴/۸/۸

«این که ما بگوییم موسیقی بهترین راه مقابله با تهاجم فرهنگی است، نه؛ من به این معتقد نیستم که موسیقی یک چنین کششی داشته باشد بلکه؛ یکی از راههاست. البته با شرایطی میتواند باشد؛ اما بهترین راهش را این نمیدانم»^{۳۵}

فصل چهارم پیامدهای غنا

گفتار اول آثار غنا از منظر احادیث

یکی از آثار غنا که در احادیث به آن اشاره شده است نفاق می باشد

نفاق یعنی دورویی یعنی چیزی را در دل داشتن و در ظاهر چیز دیگری را اظهار کردن ، اینک به چند روایت در این رابطه اشاره می کنیم:

الامام الصادق (علیه السلام) : بیت الغناء بیت لا تُؤْمَنُ فِيهِ الْفَجِيعَةُ وَ لَا تُجَابُ فِيهِ الدَّعْوَةُ وَ لَا تَدْخُلُهُ الْمَلَائِكَةُ .

امام صادق (علیه السلام) فرمود : خانه ای که در آن غناء و ساز و آواز نواخته شود، از مصیبت ها و بلاهای دردناک در امان نیست و دعا در آن خانه مستجاب نمی گردد و فرشتگان به آن خانه وارد نمی شوند^{۳۶}

قال الامام الصادق (علیه السلام) : الغناء مجلس لا ينظر الله الى أهله .

امام صادق (علیه السلام) فرمود: مجلس غناء مجلسی است که خداوند به اهل آن نظر (لطف و رحمت) نمی کند.^{۳۷}

قال الامام الصادق (علیه السلام): الغناء يورث النفاقَ و يُعَقِّبُ الْفَقْرَ .

^{۳۵}بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان) ۱۳۷۷/۱۱/۱۳

^{۳۶}دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۸۰

^{۳۷}وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۸

امام صادق (علیه السلام) فرمود: **غناء و آوازه خوانی باعث نفاق و دورویی شده و فقر و تنگدستی را به دنبال دارد.**^{۳۸}

قال الامام الصادق (عليه السلام): الغناء عُشُّ النفاق.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: **غناء و آوازه خوانی، لانه نفاق و دورویی است.**^{۳۹}

قال الامام الصادق (عليه السلام): الغناء يُورثُ الفقر

امام صادق (علیه السلام) فرمود **غناء و آوازه خوانی موجب فقر و تنگدستی می گردد**^{۴۰}

قال الامام الباقر (عليه السلام): الغناء يُنبتُ النفاق في القلب كما يُنبت النخلُ الطلع.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: **غناء و آوازه خوانی نفاق و درویی را در دل می رویاند همان گونه که درخت نخل، خوشه خرما را رویش می دهد.**^{۴۱}

قال الامام الصادق (عليه السلام): استماعُ اللّهُو و الغناء يُنبتُ النفاقَ كما يُنبت الماءُ الزَّرْع.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: **گوش کردن به چیزهای بیهوده و غناء و آوازه خوانی، نفاق را می رویاند همان گونه که آب کشتزار را می رویاند**^{۴۲}

قال الامام الصادق (عليه السلام): لا يَحِلُّ بَيْعُ الغِناءِ و لا شِراءُهُ و استماعُهُ نفاقٌ و تعليمُهُ كُفْرٌ

امام صادق (علیه السلام) فرمود: **خرید و فروش (آلات غناء و ساز و آواز حلال نیست و گوش دادن به آن، نفاق و دورویی و آموزش دادنش، کفر و بی دینی است.**^{۴۳}

^{۳۸} وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۳۰

^{۳۹} وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۲۷

^{۴۰} مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۱۳

^{۴۱} دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۰۸

^{۴۲} وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۳۶

گفتار دوم آثار موسیقی از منظر دانشمندان

امروزه دو دیدگاه متفاوت در رابطه با موسیقی وجود دارد، گروهی از دانشمندان معتقدند که فوایدی برای موسیقی وجود دارد و گروهی دیگر از دانشمندان همچون دکتر آرنولد فریدمانی (پزشک بیمارستان نیویورک و رئیس کلینیک سردرد)، دکتر ولف ادلر پرفسور دانشگاه کلمبیا، علامه محمد نقی جعفری رضوان الله علیه و... ضررهای را برای موسیقی ذکر کرده اند که خود نیاز به یک مقاله جداگانه ای دارد و در این مقاله نمی گنجد که از این منظر بررسی کنیم چرا که نظرهای گوناگون و بسیاری در این امر وجود دارد. اما آن چیزی که باید مورد توجه قرار بگیرد این است که موسیقی از منظر اسلام به دو دسته حلال و حرام تقسیم می شود و می شود از موسیقی حلال به عنوان یک ابزار استفاده کرد که شاید هم فوایدی داشته باشد که نیاز به تحقیق دارد. اما گاهی برخی موسیقی را ابزاری برای آرامش و نزدیک شدن به خدا می دانند که این شاید تا حدی در مورد موسیقی های حلال و با محتوای الهی صادق باشد اما آن چیزی که ابزار حقیقی برای آرامش و قرب الی الله است قرآن و دعا ها همچون صحیفه سجادیه می باشد. کسی که حقیقت دعا و مناجات ها را درک کرده باشد آن را ابزار اصلی برای قرب الی الله می داند.

نتیجه

بهترین ملاکی که برای حرمت موسیقی می توان ارائه داد این است که (لهو مزل عن سبیل الله باشد). موسیقی مطلقاً حرام نیست بلکه موسیقی به دو بخش کلی حلال و حرام تقسیم می شود. در قرآن و احادیث به عنوان معتبرترین منابع، آیات و روایاتی برای حرمت غنا و موسیقی حرام ذکر شده است. بنابر تحقیقی جامع ترین دیدگاه در رابطه با موسیقی را می توان در صحبت های مقام معظم رهبری پیدا کرد.

پیشنهادات

در بحث موسیقی سوالات حل نشده زیادی وجود دارد که جای کار دارد. مهم ترین سوال اینکه حقیقت غنا چیست؟ این که در روایات آمده غنا حرام است حقیقت را مشخص نمی کند! غنا در زمان اهل بیت علیهم السلام چی بوده است؟ امروزه دستگاه های موسیقی جدیدی آمده، آیا این ها شامل غنا می شود؟ ابزار آلات جدید موسیقی حرام است یا حلال؟ امروزه سبک جدیدی از موسیقی آمده که همراه با نمایش بازی کردن چند نفر دیالوگ هایی را با سبکی خاص و گاه بدون آهنگ رد و بدل می کنند! آیا این سبک موسیقی حرام است؟!؟ خیلی از موسیقی های سبک جدید اصلا مناسب مجالس لهو و لعب نیست! تکلیف شرعی در این نوع موسیقی ها که به تازگی در بین جوانان در حال گسترش است چیست؟؟ در این مقاله هدف بررسی آیات و تعدادی روایات در رابطه با حرمت موسیقی بود، اما برای یافتن حقایقی من جمله حقیقت غنا جای کار می باشد...

نام کتاب	نویسنده	موضوع	تعداد جلد	زبان	ناشر	مکان چاپ	مترجم
۱. تفسیر المیزان	علامه طباطبایی رضوان الله علیه	تفسیر قرآن	۲	عربی	نشر صدوق		
۲. ترجمه تفسیر المیزان							
۳. میزان الحکمه							
۴. تفسیر نمونه							
۵. هنر از دیگه مقام معظم رهبری							
۶. رساله آموزشی							